

صندوق‌های بدون بازده

رشد تصاعدی بودجه صندوق‌های بازنشستگی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که این صندوق‌ها به رسالت حقیقی خود یعنی سرمایه‌گذاری (با استفاده از حق بیمه‌های دریافتی) در دارایی‌های پربازده عمل نکرده و با این وضع در چند سال آینده ورشکسته خواهند بود. وضعیت ناپایدار اقتصاد کلان، عدم پرداخت بدهی‌های قانونی دولت به صندوق‌ها در کنار برداشت از منابع آنها در مواقع مختلف، واگذاری بنگاه‌های غیر سود ده در قالب رد دیون به صندوق‌های بازنشستگی، نبود ثبات مدیریتی و عدم کارآمدی مدیریت بنگاه‌ها، مهمترین علل عدم بهره‌وری سرمایه‌گذاری‌ها بوده است. بر اساس اعلام مرکز پژوهش‌های مجلس بررسی وضعیت درآمدی صندوق‌های بازنشستگی بزرگ (سازمان تأمین اجتماعی و صندوق بازنشستگی کشوری) در سال‌های اخیر حاکی از آن است که سهم سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها از سبد درآمدی آنها کمتر از ۱۵ درصد است و ۸۵ درصد از درآمد این صندوق‌ها از محل اعتبارات عمومی و یا حق بیمه شاغلین تأمین می‌شود. در مجموع ۱۸۷ شرکت متعلق به صندوق بازنشستگی کشوری؛ ۶۳ شرکت دارای زیان انباشته یا مشمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت هستند.

تزیق ۲۳ درصد بودجه به صندوق بازنشستگی

در ایران ۱۸ صندوق بازنشستگی وجود دارد که در مجموع حدود ۲۳/۶ میلیون مشترک و مستمری‌بگیر اصلی را تحت پوشش قرار داده‌اند. چهار صندوق از این ۱۸ صندوق در حال حاضر به پرداخت حقوق و مزایای بازنشستگان خود از محل منابع داخلی قادر نبوده و در قوانین بودجه سالانه مبالغی برای کمک به آنها در نظر گرفته می‌شود. البته این ۴ صندوق پر مخاطب ترین صندوق‌های کشور بوده و از همین رو ردیف‌های در نظر گرفته شده برای آن‌ها به چشم می‌آید. آمارهای استخراجی از ردیف‌های بودجه نشان می‌دهد بدون در نظر گرفتن ردیف‌های متفرقه، کمک‌های دولت به صندوق‌های بازنشستگی کشوری، صندوق بازنشستگی

کافی است اما برای پایدارسازی مالی صندوق در بلندمدت و ایجاد امکان پرداخت تعهدات در آینده، لازم است نسبت پشتیبانی بیشتر باشد تا صندوق بتواند به سرمایه‌گذاری وجوه تجمیع شده بپردازد. طبق پژوهش‌های انجام شده، اگر شاخص پشتیبانی به کمتر از ۶/۳۷ نفر تقلیل پیدا کند، صندوق‌های بازنشستگی قادر نخواهند بود براساس منابع نقدی حاصل از دریافت حق بیمه به تعهدات قانونی خود عمل کنند و اگر این شاخص از ۵/۳۵ نفر کمتر شود، پرداخت تمامی تعهدات به‌ویژه بدهی‌های دولت نیز کفاف مصارف صندوق‌های بازنشستگی را نخواهد داد و در نهایت اگر کمتر از ۳ باشد، صندوق عملاً ورشکسته خواهد بود.

نکته قابل ذکر اینکه هرچه از زمان تاسیس صندوق می‌گذرد و صندوق به مراحل بلوغ خود وارد می‌شود، نسبت پشتیبانی کاهش پیدا می‌کند، به طوری که در این زمینه بررسی‌ها نشان می‌دهد در سال ۱۳۴۱ که صندوق تأمین اجتماعی تاسیس شده، نسبت پشتیبانی این صندوق ۲۵ نفر بوده است که این میزان در سال ۳۹۹ به ۴/۵۱ نفر رسیده است. به عبارت دیگر در سال ۴۱ سازمان تأمین اجتماعی از محل دریافت حق بیمه ۲۵ نفر حقوق و مستمری یک نفر را پرداخت می‌کرد که در سال ۹۹ با حق بیمه کمتر از پنج نفر (۴/۵۱ نفر) حقوق و مزایای یک نفر مستمری‌بگیر تأمین اجتماعی را پرداخت می‌کند. همان‌طور که در جدول آمده، این نسبت در صندوق بازنشستگی کشوری کمتر از یک نفر (۰/۶۵ نفر)، در صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح نیز کمتر از یک (۰/۸۳ نفر)، در بیمه اجتماعی کشاورزان، روستائیان و عشایر ۱۱ نفر، در سایر صندوق‌ها ۱/۱۰ نفر و در مجموع به طور میانگین در کل صندوق‌های کشور چیزی در حدود ۳ نفر است. این موضوع نشان می‌دهد که به ازای هر ۳ بیمه‌پرداز یک مستمری‌بگیر وجود دارد که دقیقاً همان آستانه ورشستگی صندوق‌ها خواهد بود. همین دو شاخص مورد بررسی نشان از نیازمندی صندوق‌ها به اعتبارات خارجی دارد که نمود آن را در بودجه‌های سالیانه و در کمک دولت به این صندوق‌ها می‌بینیم.

وضعیت صندوق‌ها از لحاظ ورودی و خروجی در شرایط بحرانی و مرز بحرانی قرار دارد، اما همین مقدار ورودی نیز هر ساله به طور کامل تأمین نمی‌شود. بخش عمده‌ای از ورودی‌های این صندوق‌ها که عمدتاً مربوط به تعهدات دولت است، به صورت نقدی تأمین نشده و در صورت‌های مالی آنها در سرفصل‌های مطالبات از دولت طبقه‌بندی می‌شود، این در حالی است که کلیه مصارف این صندوق‌ها به صورت نقدی بوده و ضروری است در زمان مربوطه به ذینفعان پرداخت گردد. بر اساس اعلام سازمان تأمین اجتماعی (آخرین آمار) از بین ۴ صندوق مذکور تنها صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستائیان و عشایر است که بهترین نسبت منابع و مصارف را در سال ۹۹ با ۶۴۲ درصد داشته، که البته این صندوق نیز روند نزولی داشته و از ۱۸۱۵ درصد در سال ۱۳۹۲ به این رقم رسیده است. ۳ صندوق تأمین اجتماعی، بازنشستگی کشوری و حمایت و بازنشستگی کارکنان فولاد در سال ۹۹ از حیث پایداری مالی در وضعیت بحران بوده و به ترتیب ۸۳، ۴۲ و ۳۱ درصد از منابع آن‌ها توانسته مصارف را پوشش دهد.

وضعیت قرمز: نسبت پشتیبانی صندوق‌ها ۳ نفر است

نسبت پشتیبانی که بیانگر نسبت تعداد بیمه‌پردازان به مستمری‌بگیران صندوق‌های بازنشستگی است؛ در حالت مطلوب معمولاً بین ۶ تا ۷ بوده و حداقل این نسبت برای جلوگیری از ورشکستگی صندوق‌ها ۳ است. به عنوان مثال اگر ۲۵ درصد حقوق یک کارمند به حق بیمه اختصاص یابد و دریافتی یک بازنشسته ۷۵ درصد حقوق یک کارمند باشد، باید به ازای هر بازنشسته بیش از سه نفر حق بیمه بپردازند تا بتوان پس از کسر دستمزد کارکنان صندوق، مقرری وی را پرداخت کرد. به عبارت دیگر باید نسبت پشتیبانی بیشتر از ۳ باشد تا صندوق به منابع خارجی (مانند بودجه دولت) برای حفظ تعادل در منابع و مصارف نیازمند نشود. اگرچه این نسبت تنها برای پرداخت تعهدات فعلی صندوق با استفاده از حق بیمه‌های فعلی